

مروری بر ویژگی رمان های ادبیات مهاجرت

چکیده

ادبیات مهاجرت شاخه‌ی جدیدی از ادبیات معاصر است با ویژگی‌های مخصوص خود که به دو بخش داستانی و منظوم تقسیم می‌شود و در هر کشوری بنا به تحولات اجتماعی و تاریخی آن وجود دارد. رشد و شکل‌گیری این نوع از ادبیات و ورود اصطلاح «ادبیات مهاجرت» به قاموس ادبیات سیاسی و فرهنگ‌های ملل مغرب زمین، محصول سال‌های پس از جنگ جهانی اول و دوم جهانی است. در راستای جریان‌های ادبی معاصر ایران که بعد از مشروطه و به‌ویژه از دوران پهلوی دوم در ایران رواج پیدا می‌کند، به‌تأثیر مهاجرت بسیاری از نخبگان، جوانان و نویسندگان به اروپا و آمریکا به دنبال توسعه تحصیلات و پیدا کردن کار مناسب و آینده بهتر، و نیز به‌تأثیر جنگ و نابسامانی‌های اقتصادی و...، طیف وسیعی از مهاجران متأثر از عوامل دوگانه دست‌به‌قلم بردند و داستان‌های کوتاه و بلند و یا زمان‌هایی را به نگارش درآوردند. از میان رمان‌های نویسندگان موردنظر، رمان منتخب بیش از دیگر آثارش سبک و بیان خاص نویسنده را نشان می‌دهد. هرچند نویسندگانی مانند اسماعیل فصیح بسیاری از آثارشان را معطوف به مسئله مهاجرت نوشته‌اند، این تحقیق موردبررسی قرار گرفته است که در حوزه ادبیات مهاجرت بوده. ادبیات مهاجرت دارای خصیصه‌هایی ویژه از جمله پرداختن به مشکلات و مصائب مهاجران است، که این پژوهش به‌تفصیل به آن پرداخته است. به‌طورکلی با تحلیل رمان‌های منتخب، متوجه شده‌ایم که علی‌رغم تأثیرپذیری نویسندگان از اندیشه‌ها و فرهنگ غرب، از گذشته و فرهنگ کشور مادری نیز برکنار نیستند؛ بنابراین مدرنیته و تعارضش با سنت، و پیامدهای مهاجرت از مضامین اصلی این آثار محسوب می‌شوند.

کلمات کلیدی: ادبیات مهاجرت، داستان‌نویسی رمان، رمان‌های مهاجرت

مقدمه

رمان نوع ادبی جدیدی است که حتا در اروپا نیز در چند قرن اخیر به‌طور رسمی رشد یافت، باوجوداین، به‌سرعت توانست خود را با نیازهای روز دنیای مدرن و تغییرات جهان معاصر وفق دهد و راهش را در ادبیات جهان به‌عنوان نوعی برجسته ادامه دهد. در ایران نیز هرچند با تأخیر و بسیار دورتر از اروپا سر برآورد، اما به دلیل داشتن اجدادی از داستان‌های بلند فارسی در دوران گذشته، پس از تحولاتی، خیلی زود رشد پیدا کرد و نویسندگان زیادی در این زمینه طبع‌آزمایی کردند و آثار تقریباً موفقی نیز تألیف کردند. این نوع ادبی دارای سبک‌ها و مکتب‌های مختلف و خاص خود است که هرکدام برای بیان محتوایی خاص و زمانی خاص خلق شده‌اند؛ اما رمان برای بیان رسالت خود و حضور چشمگیر همپای دیگر انواع ادبی، از ساختاری قانون‌مند و از اجزای مختلفی نیز تشکیل شده است. یکی از این اجزا درون‌مایه و محتوای آن است که نقش اساسی در

شکل‌گیری رمان و نیز تأثیرگذاری آن بر مخاطب، ایفا می‌کند؛ بنابراین درون‌مایه و محتوا از اصلی‌ترین عناصر یک داستان محسوب می‌شوند؛ به طوری که می‌توان اظهار کرد سایر اجزا مانند پازلی در کنار هم قرار می‌گیرند تا تصویری از درون‌مایه را به ذهن متبادر کنند، لذا در اینجا است که به اهمیت فضا و محیط حاکم در داستان - که خود به صورت غیرمستقیم متأثر از محیط زندگی نویسنده است - پی می‌بریم. در واقع «کشف درون‌مایه یا معانی یک اثر مستلزم ایجاد ارتباط بین اثر و جهان بیرون آن است.» (اسکولز، ۱۳۷۷: ۲۳) بنابراین همان‌طور که گفته شد در این تحقیق کوشش شده است تا رمان‌هایی منتخب از ادبیات مهاجرت، به جهت محتوایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ تا تأثیر محیط خارج از ایران بر رمان‌ها در ابعاد وسیع‌تری مشخص شود.

نویسندگان زیادی به دلایل مختلف به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند و خیل عظیم نویسندگان ادبیات مهاجرت را تشکیل داده‌اند؛ اما از جهت انتخاب آثار، تلاش شده است، نمونه‌هایی نو و قوی را انتخاب شود، تا تغییرات جهان مدرن و راه یافتن پیامدهای این تغییرات در آثار را بهتر و ملموس‌تر زیر ذره‌بین نقد سنجیده شود؛ بنابراین چون ملاک انتخاب، این دو فاکتور بوده است (نو و قوی بودن)، بررسی‌های گسترده‌ای از نویسندگان مختلف مهاجر، در این راستا انجام گرفت. در این بین، و در آثار مورد آزمایش در کمال تعجب متوجه شده‌ایم که اولاً نویسندگان معدودی آثارشان در زمره‌ی ادبیات مهاجرت قرار می‌گیرد؛ مانند آثار شهرنوش پارسی پور که با وجود زندگی طولانی در غرب اثر مشخصی در حوزه‌ی ادبیات مهاجرت که صرفاً به بیان دغدغه‌های مهاجرین پرداخته باشد، ندارد، و ثانیاً نویسندگان کمی از همین تعداد معدود، از آثاری برخوردارند. نه‌ایتاً اگر دو فاکتور قوی بودن و در حوزه‌ی ادبیات مهاجرت قرار گرفتن، را دارا باشند، زمان زیادی از تألیف آن می‌گذشت، بنابراین نمی‌توانست به مسائل امروزی بپردازد. باهمه‌ی این تفصیلات سعی شده است تا با بررسی‌های زیاد و با دقت خاصی به انتخاب نویسندگانی برجسته در این شاخه دست بزنیم. ضمناً برای تنوع در محتوا و رسیدن به نتایج مطلوب، علاوه بر انتخاب آثاری برجسته از دو نویسنده‌ی مرد، اثری نیز از نویسنده‌ی زن مورد تحلیل قرار داده شده است.

رضا قاسمی، روح‌انگیز شریفیان و عباس معروفی نویسندگان منتخب در این پژوهش به شمار می‌روند. هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها، کارت‌پستال و تماماً مخصوص از آخرین کارهای نویسندگان مورد نظر محسوب می‌شوند. رضا قاسمی نویسنده‌ی مقیم فرانسه، هرچند آثار متأخرتری نیز دارد و رمان‌های قابل‌توجهی نیز به شمار می‌روند مانند چاه بابل و وردی که بره‌ها می‌خوانند - اما رمان هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها اثری فوق‌العاده قوی و برجسته است که وی بیشتر شهرت خود را با تألیف آن کسب کرده، به‌علاوه محصول اوایل دهه‌ی هشتاد است و فاصله‌چندانی با دو اثر مورد بحث نویسندگان دیگر ندارد. رضا قاسمی (۱۳۲۸) از نویسندگان برجسته و شناخته‌شده ادبیات مهاجرت مقیم فرانسه است که "هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها" مطرح‌ترین اثرش نخستین بار در سال ۱۹۹۶ در آمریکا به چاپ رسیده است. به گفته اکثر منتقدین این اثر از بهترین رمان‌های فارسی چاپ‌شده‌ی ایرانی بیست سال اخیر است. بعد از چاپ این رمان در سال ۱۳۸۰ در ایران، موفق به کسب جوایز متعددی در این راستا شد، که همه‌ی آن‌ها گویا این مسئله هستند. برنده جایزه‌ی بهترین رمان اول سال ۱۳۸۰ بنیاد گلشیری، رمان تحسین‌شده سال ۱۳۸۰ جایزه‌ی مهرگان ادب، برنده‌ی بهترین رمان سال ۱۳۸۰ منتقدین

مطبوعات و همچنین بهترین رمان یک دهه‌ی اخیر ایران به انتخاب منتقدین مطبوعات، از جمله جوایز معتبر این رمان به شمار می‌روند. رضا قاسمی دو رمان دیگر نیز دارد که به همین سبک نوشته شده است؛ به - طوری که مخاطب با خواندن آن‌ها ممکن است برخی از کنش‌ها و شخصیت‌های شان را به‌جای یکدیگر به کار گیرد؛ زیرا در همه‌ی آن‌ها مسائل جنسی، تقابل سنت و مدرنیته، آزادی روابط زن و مرد، تبعید، نوستالژی، آوراگی، مرگان‌دیشی، بدبینی، وضعیت بد زندگی در غرب، انتقاد از شرایط و اوضاع بد ایران و نیز خصیصه‌های منفی ایرانیان، ضد فمینیسم، به سخره گرفتن اعتقادات، تناسخ و تا حدودی مضامین مشترک محسوب می‌شوند. به‌علاوه شخصیت‌های این‌گونه رمان‌ها از انواع بیماری‌های روانی مانند افسردگی و مهر طلبی رنج می‌برند. روح‌انگیز شریفیان (۱۳۲۰) دیگر نویسنده‌ی منتخب ما نیز پس از گذراندن دانشگاه خود در رشته‌ی تعلیم و تربیت در اتریش، به لندن مهاجرت کرد. نخستین رمانش که شهرت زیادی به دست آورد "چه کسی باور می‌کند رستم" بود که در سال ۱۳۸۲ منتشر شد. علاوه بر این آثار مهم دیگری در زمینه‌های مختلف از او به چاپ رسیده است که به گفته‌ی منتقدین در زمره آثار برجسته و قابل احترام ادبیات ایران قرار می‌گیرند. یکی از آن‌ها که رمان منتخب این پژوهش نیز هست، رمان کارت‌پستال است که در سال ۱۳۸۷ چاپ شده.

این رمان برخلاف دو رمان منتخب دیگر، رویکرد سیاسی کم‌رنگ‌تری دارد، درون‌مایه‌های بارویکرد روانکاوانه در آن کمتر به چشم می‌خورد، و همچنین نویسنده تأثیرات کمتری از محیط خارج گرفته است؛ به‌عبارت‌دیگر باوجود زندگی طولانی در لندن و علی‌رغم اینکه اکثر آثارش از تم مهاجرت برخوردارند، تفاوت عمده‌ای را نمی‌توان بین سبک او و جریان‌های داستانی داخلی قائل شد؛ جز در چند مورد خاص، مانند بازتاب تنهایی و سرگردانی انسان مهاجر. مورد دیگری که آن را از دو اثر منتخب ما جدا می‌کند، توصیف پدیده‌ها نوع برخورد شخصیت‌ها بر اساس نگرش فمینیستی است. عباس معروفی نیز که از دیگر نویسندگان مطرح ادبیات مهاجرت به شمار می‌رود، صاحب آثار برجسته و مطرحی از جمله سمفونی مردگان است. وی بعد از انقلاب و تا سپس مجله ادبی گردون به علت فعالیت سیاسی و مشکلات عقیدتی با نظام، مجبور به ترک کشور و اقامت در آلمان شد. او نیز آثار زیادی را نگاشته است، اما تنها رمان "تماماً مخصوص" در حوزه‌ی ادبیات مهاجرت قرار می‌گیرد که معروفی مدت‌ها در انتظار مجوز وزارت ارشاد برای چاپ در ایران بود و سرانجام موفق به اخذ آن نشد و به‌ناچار اقدام به انتشار آن در صفحه شخصی خود در سال ۱۳۸۹ شد. این رمان به بازگو کردن خاطرات و آرزوهای نسل اوایل انقلاب می‌پردازد و همچنین مشکلات مهاجران، شکست و تنهایی روشنفکران تبعیدی را به‌خوبی بازگو می‌کند. در مجموع می‌توان اشاره کرد علی‌رغم انتخاب سه رمان متفاوت از سه نویسنده‌ی مهاجر، اغلب درون‌مایه‌های مشترک این‌گونه آثار که خاص ادبیات مهاجرت‌اند، ما را ناگزیر کرده تا به‌جای بررسی جداگانه و مجزای هر کدام از آثار، آن‌ها را به‌صورت مشترک و کلی بررسی کنیم. این امر اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، زیرا در غیر این صورت، باید شاهد تحقیقی با اطناب، متورم و پرتکرار می‌بودیم. علاوه بر آن، در این تحقیق درون‌مایه‌های آثار مورد بحث را، علی‌رغم ارتباط تودرتو باهم، به قسمت‌های مختلفی تقسیم‌شده‌اند. به‌طور مثال درون‌مایه‌های متأثر از محیط غرب که شامل پیامدهای مدرنیته مانند اومانیسم است، در یک بخش قرار داده شده و نیز درون‌مایه‌های روان‌شناختی در بخش دیگر؛ زیرا درون‌مایه‌های متأثر از بیماری‌های روانی اغلب با مهاجرت

مهاجرین به سرزمین جدید، دامن‌گیر افراد می‌شود و در انتها به آثار راه پیدا می‌کند. بخش دیگر به درون‌مایه‌های متأثر از ذهنیت پیش داده‌ی ایرانی اختصاص داده شده است؛ زیرا هرچقدر نویسنده مدت زیادی را در خارج از کشور اقامت داشته باشد، باز نمی‌تواند از فرهنگ و مسائل و ذهنیت گذشته‌ی خود رهایی یابد و این موارد چه به صورت ناخودآگاه و چه به صورت خودآگاه به آثارش راه پیدا می‌کند؛ بنابراین این بخش‌ها درون‌مایه - های اصلی تحقیق را شکل می‌دهند، به این دلیل که ذهنیت فرد، بعد از مهاجرت، از طرفی پایی در کشور مادری دارد و پایی در کشور جدید که در آن مشغول به زندگی است؛ و از سویی دیگر با مهاجرت، دچار بیماری‌های روانی متعددی می‌شوند که تأثیر نپذیرفتن از آن‌ها، اجتناب‌ناپذیر است. بخش سوم از فصل چهارم نیز به درون‌مایه‌های فرعی که نقش کمرنگ‌تری در آثار دارند اختصاص داده شده است. با بررسی این آثار مشخص می‌شود که شخصیت اصلی هرکدام از آن‌ها یک ایرانی تبعیدی است که پشت سر گذاشتن مشکلات ناشی از این تبعید و نیز سختی‌ها و محدودیت‌هایی که در کشور مادری از سر گذرانده باعث بروز بیماری‌های متعدد روانی در او شده است. تنهایی، پوچ‌گرایی، هراس، ابهام و تردید، بدبینی، مرگان‌دیشی،... از این دسته بیماری‌ها محسوب می‌شوند. به‌علاوه تقابل سنت و مدرنیته، سرگردانی انسان مهاجر ایرانی و عدم سازگاری با محیط جدید، انواع جنبش‌های ناشی از مدرنیسم مانند عقل‌گرایی، فردگرایی، فمینیسم، اومانیزم و مسائل ناشی از مشکلات روانی از محتوای اصلی این‌گونه رمان‌ها به شمار می‌آید.

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد پیشینه‌ی این پژوهش باید گفت، طبق تحقیقات به‌عمل‌آمده در این راستا و به‌طور کلی در زمینه بررسی آثار نویسندگان مهاجر مقیم خارج با توجه به این امر که ادبیات مهاجرت شاخه‌ای جدید از ادبیات معاصر محسوب می‌شود، - جز به صورت محدود و پراکنده - پژوهش‌های جامع و گسترده‌ای صورت نگرفته است، در این حوزه کتاب «صدسال داستان‌نویسی ایرانی» (۱۳۷۷) از مهم‌ترین منابع به شمار می‌رود. همچنین عباسعلی وفایی در مجموعه مقالات «سفر در آینه، نقد و بررسی ادبیات معاصر ایران» (۱۳۸۴) برخی از مقالاتش مانند «نقش داستان‌های مدرسی در معرفی فرهنگ ایرانی به جهان» را به این حوزه اختصاص داده است. یکی دیگر از این آثار کتاب «هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی» (۱۳۸۸) از میر عابدینی است، که علی‌رغم اینکه به داستان کوتاه پرداخته است، در جلد دوم به تعدادی از داستان‌های نویسندگان مهاجر پرداخته و جلد سوم کتاب را نیز به ادبیات مهاجرت ایران اختصاص داده است. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «نقد پس استعمارگرایی و انعکاس آن در آثار داستان‌نویسان مهاجر ایرانی» (۱۳۸۹) از حیات عامری و الهام میاحی، منتشر شده است که با بررسی گفتمان هنری «پسا استعمارگرایی» و بازخوانی اندیشه‌های اندیشمندانی چون ادوارد سعید، با تکیه بر کتاب «چه کسی باور می‌کند رستم» نوشته‌ی روح‌انگیز شریفیان سعی در بررسی و انعکاس مفهوم و نظریه‌ی پس استعماری در ادبیات داستانی مهاجرت و نویسندگان مهاجر ایرانی دارد. لیلیا تفرشی مطلق نیز تحقیقی با عنوان «مطالعات پسااستعماری در ادبیات مهاجرت» (۱۳۸۹) دارد که در آن مسائل تئوری ادبیات مهاجرت را شرح می‌دهد. خانم شیده احمدزاده نیز در کتاب «مهاجرت در ادبیات و هنر» (۱۳۹۱) مجموعه مقالاتی را گردآوری

کرده است که برخی به داستان و برخی به نمایش‌نامه و فیلم اختصاص دارند. همچنین، مهتاب کرانشه نیز در مطلبی با عنوان «مروری خلاصه بر داستان‌نویسی زنان ایرانی» (۱۳۹۳) به بررسی اجمالی برخی از آثار نویسندگان زن ایرانی مهاجر، مانند مهرنوش پارسا پور پرداخته است؛ اما آنچه ما به دنبال آن خواهیم بود در کتاب یا مقاله‌ای مستقل و به - صورت اختصاصی موردتوجه قرار نگرفته است. لذا در این تحقیق سعی می‌کنیم قدمی نو با نگاهی متفاوت و جامع به - این‌گونه رمان‌ها برداریم.

مراحل روش تحقیق

در انجام این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی استفاده می‌شود و جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. پس از تحقیق در رابطه با نوع منابع و نیز بعد از مطالعه آن‌ها، فیش‌برداری جهت دستیابی به اطلاعات موردنیاز انجام می‌گیرد. همچنین در این راه استفاده از سایت‌های معتبر و علمی در دستور کار قرار خواهد گرفت. پس از تجزیه و تحلیل و نگارش متن با استفاده از راهنمایی‌های اساتید مشاور و راهنما، ویرایش و اصلاحات نهایی نهایتاً صورت می‌گیرد و تحقیق آماده دفاع خواهد شد. به‌طورکلی در این تحقیق سعی خواهیم کرد مهم‌ترین آثار برخی از نویسندگان مهاجر را بدون مقایسه با یکدیگر، به‌صورت مجزا و نیز بدون در نظر گرفتن دوره آن‌ها به‌طور مستقل، چنانچه گفته شد به روش تحلیلی توصیفی مورد ارزیابی محتوایی قرار دهیم.

ادبیات نظری تحقیق

مهاجرت

مهاجرت قدمتی بسیار دیرینه دارد که همواره موردتوجه بشر بوده است. به تأثیر از پرنده‌گان و سایر جانوران، انسان از دیرباز هر جا و هر زمان که احساس ناامنی کرده، برای دستیابی به زندگی بهتر، رفاه و شرایط مناسب و رسیدن به آرمان‌هایش، نقل‌مکان کرده است. پس مهاجرت به معنی سفر کردن و نقل‌مکان کردن از محل مأنوس خود و توقف کردن و ماندن درجایی، غیر از شهر و دیار خود است. از موطن خود به‌جایی دیگر انتقال کردن، هجرت گزیدن.» (فرهنگ معین، ۱۳۸۸).

انواع مهاجرت: مهاجرت انواع گوناگونی دارد؛ مانند داخلی، شهری و روستایی، بین‌المللی، اجباری و اختیاری و... اما ما در اینجا با مهاجرت بین‌المللی سروکار داریم و صرفاً به این نوع از مهاجرت می‌پردازیم. به مهاجرتی نیز مهاجرت بین‌المللی می‌گویند که جابجایی از مرزهای سیاسی جغرافیای صورت گیرد.

ملاک‌های مهاجرت

جامعه‌شناسان معمولاً برای تعریف مهاجرت ملاک‌های مختلفی را در نظر می‌گیرند. «ملاک‌هایی که همواره در تعریف مهاجرت از دیدگاه جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناسی لحاظ می‌شود عبارت‌اند از زمان، فاصله و انگیزه.» (وقوفی ۱۳۸۰: ۲۲)

زمان و فاصله هر دو در مهاجرت و تعیین نوع آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، در مورد زمان، به‌طور مثال ممکن است کسی محلی را به‌طور دائم برای اقامت برگزیند و برعکس کسی دیگر به‌طور موقت و برای مدتی کوتاه درجایی اقامت کند. در توضیح فاصله نیز باید گفت: مهاجرت هم به‌جایی دوردست صورت می‌گیرد و هم به مکانی نزدیک. هر مهاجرتی به انگیزه و نیروی محرکی نیز نیاز دارد، مانند مهاجرت جهت رفاه مادی و یا ادامه تحصیل.

علل و انگیزه‌ی مهاجرت

در بررسی مهاجرت مهم‌ترین اصل، انگیزه مهاجرت است. «انگیزه می‌تواند جهت، مدت، و فاصله در مهاجرت را تحت تأثیر قرار دهد و باوجود دوری مسافت، مسائل موجود بین مبدأ و مقصد، زمان طولانی رسیدن به مقصد یا فاصله و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، انسان‌ها را به تحرک وادارد.» (همان، ۲۳) یک مهاجرت بین‌المللی می‌تواند انگیزه‌های گوناگونی داشته باشد: رسیدن به آزادی، عدم تحمل نظام حاکم، زیر بار زور نرفتن، دستیابی به ثروت، ادامه تحصیل، رسیدن به آرامش و ... همه‌ی این موارد در زمره‌ی مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی و فرهنگی، پیشرفت تحصیلی و علمی، پیشرفت اقتصادی، مسائل عقیدتی قرار می‌گیرند که به‌تفصیل راجع به هرکدام توضیح داده خواهد شد.

مهاجرت‌های اجباری کارگران، آوارگان، مهاجران غیرقانونی و پناهندگان نیز از زمره‌ی مهاجرت‌های اجباری است؛ بنابراین ممکن است که انگیزه‌های جابجایی مردم اقتصادی، یا اجتماعی - سیاسی باشند و یا کسب علم، مانند جوانانی که برای تحصیلات پیشرفته‌تر به کشورهای غربی می‌روند؛ بنابراین می‌توان از دو نوع جابه‌جایی کاملاً متمایز صحبت کرد: جابجایی «غیرارادی» و جابه‌جایی «ارادی». «(جهانبگلو، ۱۳۷۹: ۳۹) جابه‌جایی‌هایی مانند تبعیدهای سیاسی، جابه - جایی‌های متأثر از جنگ و انقلاب که فرد هیچ اراده و اختیاری از خود برای مهاجرت ندارد، در زمره جابه‌جایی‌های غیرارادی محسوب می‌شود، اما مهاجرت‌هایی که باهدف کسب پول و ثروت و رفاه اجتماعی و ... انجام می‌گیرد، در زمره جابه‌جایی اردای به‌حساب می‌آید.

تعریف رمان

پس از قرون‌وسطا، با تغییرات بنیادین زندگی انسان غربی، ادبیات و رمانس‌ها به‌تدریج دگرگون شدند و رمان در نتیجه تلاش‌ها و تغییرات فراوان، با اثر دن کیشوت از سروانتس به‌تدریج در سراسر اروپا رشد یافت و غالب شد. پس‌از آن بود

که سایر نویسندگان وارد عرصه شدند و به تألیف آثاری هرچند ضعیف، دست زدند. «سروانتس، سرمشقی به دست داد تا رمان نویسان دیگر از آن پیروی کنند.» (راسل، ۱۳۷۲: ۱) اما اینکه رمان چیست و چه پاسخی باید در تعریف آن ارائه دهیم؛ بسته به دوره‌ی تاریخی و ویژگی‌های هر دوره و نوع آن، متفاوت و دائماً در نوسان است. باوجوداین امر مسلم این است که رمان محصول مدرنیته و عصر جدید است، به همین خاطر هگل «رمان

را حماسه‌ی عصر مدرن می‌نامد.» (زرآفا، ۱۳۸۶: ۱۹۵) برای ماهیت و چیستی رمان تعاریف زیادی نیز ارائه شده است، از جمله اینکه «رمان شکل خاصی از روایت است، که همان ابداع داستانی بلند و منثور است با تکیه بر واقع‌گرایی؛ و حاصل تجربیات و تخیل دست‌اول فرد است.» (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۷۷) پس به همین دلیل می‌گویند رمان سبکی تقریباً فردی و شخصی است، که نویسنده چه برای انتخاب موضوع و شخصیت‌ها، چه از نظر هنری و تکنیکی، آزادی عمل بیشتری دارد.

سیر رمان‌نویسی در ایران

داستان و داستان‌گویی - نتنها در ایران، بلکه در تمام دنیا قدمتی دیرینه دارد و حتا می‌توان گفت عمری به درازای عمر بشر دارد؛ یعنی از همان نخستین سال‌هایی که انسان توانست خود را با طبیعت سازگار کند و خودشناس شود، داستان نیز شکل گرفت؛ اما پیدایش رمان و داستان بلند به شکلی که امروزه ما با آن آشنا می‌باشیم، قدمت زیادی ندارد. «خلق داستانی منثور و طولانی با تأکید بر واقعیت و اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و ویژگی‌های روان‌شناختی، هرگز گذشته‌ی طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان از سه قرن تجاوز نمی‌کند.» (میر صادقی، ۱۳۹۴: ۴۶۴-۴۶۵) همان‌طور که در اروپا با تغییرات سیاسی و اجتماعی و ... پس از قرون وسطا، رمان سر برآورد، در ایران نیز بعد از پشت سر نهادن برخی از تغییر و تحول سیاسی و در پی آن تحول اجتماعی - فرهنگی، رمان به تدریج راه خود را پیدا کرد؛ بنابراین این ژانر ادبی در ایران بسیار دیرتر از اروپا شکل گرفت و رشد کرد. «در دوره‌ای که سروانتس با خلق دن کیشوت تحولی در ادبیات داستانی و داستان‌نویسی آغاز کرد در ایران نه‌تنها اثری از رمان و داستان بلند نبود بلکه نثر فارسی نیز دوران انحطاط را با شدت بیشتری ادامه می‌داد. ترکیبات عربی، عبارات خام، اصرار در به‌کارگیری صنایع بدیعی به‌ویژه سجع‌های متوالی، تکلفات بسیار، مترادفات پیاپی، تعارفات و تملقات مبتذل و استفاده از شعرهای سست رمقی برای نثر فارسی برجای نگذاشته بود.» (حاج سید جوادی، ۱۳۸۲: ۲۷) اما به تدریج و با دگرگونی اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ایرانی در دوران مشروطه، نثر و ادبیات ایران نیز متحول شد.

پس از انقلاب مشروطه که هرج‌ومرج‌های سیاسی و اجتماعی آن تا مدت‌ها کشور را درگیر خود کرده بود، رضاشاه با طرفداری روشنفکران و نخبگان طبقه‌ی متوسط، به روی کار آمد. همزمان باروی کارآمدن رضاشاه، دولتی باثبات و مقتدر شکل می‌گیرد که داعیه‌ی ملتی مدرن همراه با تجدد اروپایی در سر دارد. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ - علی‌رغم اینکه نخبگان و طرفداران وی در میانه‌ی راه به دلیل استبداد و دیکتاتوریش مخالف او و اقداماتش می‌شوند - اقدامات و اصلاحات وسیعی در زمینه‌های گوناگون شکل می‌گیرد و تغییرات گسترده‌ای در ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به شیوه‌ی غربی ایجاد می‌شود؛ مانند شکل‌گیری نهاده‌ای نو، تا سپس مدارس و دانشگاه‌ها، آگاهی ملی و گسترش سوادآموزی، رشد شهرنشینی و ایجاد و گسترش مخابرات، پیدایش قشر روشنفکران، ... مجموع این عوامل و مسائل گوناگون دیگر، زمینه‌ی گسترش هرچه بیشتر رمان را فراهم کرد.

در مجموع می‌توان رمان این دوره را به‌عنوان یکی از ابزار مهم آشنایی و آگاهی ایرانیان با جهان، به‌ویژه تمدن و پیشرفت‌های غرب- تکامل‌یافته‌ی شکل‌های عصر مشروطه دانست. هرچند با توجه به شرایط خاص اجتماعی و سیاسی این دوران، رمان متولد می‌شود، اما در بدو تولد، نویسندگان بیشترین توجه خود را صرف محتوا و آموزش اخلاقی و تاریخی به مخاطبان کرده‌اند. رمان نویسان در این دوره دقت کمتری نسبت به زبان، شخصیت‌پردازی و به‌طور کلی جنبه - های زیبایی‌شناسی اثر دارند. این امر که نزد نویسندگان کارکرد رمان‌ها از اهمیت بیشتری نسبت به ساختارشان دارند را می‌توان در مقدمه آثارشان به‌خوبی مشاهده کرد. (همان، ۱۹۲)

ادبیات مهاجرت

ادبیات مهاجرت چیست؟ آیا صرف نگاشتن اثری در خارج از مرزها، آن را در زمره‌ی ادبیات مهاجرت قرار می‌دهد؟ اصولاً چه آثاری را می‌توان در حوزه‌ی ادبیات مهاجرت قرار داد؟ این ادبیات با آثار داخل کشور متفاوت است یا نه؟ اگر هست، چه ویژگی‌هایی این تفاوت را رقم می‌زند؟

ادبیات مهاجرت شاخه‌ی جدیدی از ادبیات معاصر است با ویژگی‌های مخصوص خود که به دو بخش داستانی و منظوم تقسیم می‌شود و در هر کشوری بنا به تحولات اجتماعی و تاریخی آن وجود دارد. رشد و شکل‌گیری این نوع از ادبیات و ورود اصطلاح «ادبیات مهاجرت» به قاموس ادبیات سیاسی و فرهنگ‌های ملل مغرب زمین، محصول سال‌های پس از جنگ جهانی اول و دوم جهانی است. آوارگی، تبعید، جابجایی جغرافیایی مردم در طی این جنگ‌ها و نیز تبعات سیاسی منفی آن به همراه ناپایداری‌های اجتماعی در این مناطق، منجر به جدایی انبوهی از مردم و به‌تبع آن تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان آن سرزمین‌های مادری خویش گردید. (خدایار، ۱۳۸۷: ۲۹).

ادبیات مهاجرت ایران

مهاجرت اغلب از کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به سمت غرب و کشورهای مدرن صورت می‌گیرد، در چند دهه‌ی اخیر، به دلیل تحولات اقتصادی و از همه مهم‌تر تغییرات اجتماعی و گسترش ارتباطات، در ایران رواج گسترده‌ای پیدا کرده است. پس مهاجرت و به دنبال آن ادبیات مهاجرت در ایران، کشوری که از دیرباز درگیر مسائل سیاسی و هجوم بیگانگان بوده، سابقه‌ای طولانی دارد. «پدیده مهاجرت نویسندگان و اهل قلم در ایران از دوران قبل از مشروطیت آغاز می‌شود» (تندرو صالح، ۱۳۷۹: ۱۴) به‌طور مثال همزمان با حمله‌ی مغول موج وسیعی از مردم دست به مهاجرت به سایر سرزمین‌ها زدند و یا در دوره‌ی صفویه با بی‌توجهی شاهان به علم و ادب، شاهد یکی از بزرگ‌ترین مهاجرت‌های ادبا و شعرا به هندوستان بوده‌ایم؛ اما مهاجرت نویسندگان به‌طور رسمی از عصر قاجار و دوران مشروطه در پی ارتباط و رفت‌وآمد به کشورهای اروپایی شکل گرفت؛ مانند مهاجرت میرزا حبیب اصفهانی و میزا آقاخان کرمانی که به دلیل تبعید مجبور به مهاجرت شدند، یا حاج زین‌العابدین مراغه‌ای صاحب سیاحت‌نامه که در قاهره نگاشته و چاپ شد و یا احمد طالبوف صاحب مسالک المحسنین. «قدمت ادبیات مهاجرت و تبعید، در ایران به اواخر دوران قاجار و ورود ایران به دنیای استعماری

قرن نوزدهم بازمی‌گردد.» (حیدری، ۱۳۹۵: ۳۵) در دوران پهلوی نیز به دنبال بسته بودن فضای سیاسی و اجتماعی کشور عده‌ای همچون صادق هدایت و بزرگ علوی دست به مهاجرت زدند. «سیر مهاجرت پس از انقلاب به دلایل دیگری شتاب بیشتری گرفت.» (تندرو صالح، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۱) بعد از انقلاب اسلامی به دنبال مسائل سیاسی و تغییر مبانی ایدئولوژیک، نبود رفاه اجتماعی، پیشرفت ارتباطات و به دنبال آن آگاهی مردم از مهیا بودن شرایط پیشرفت در خارج، موج وسیع دیگری از نویسندگان و مردم عادی دست به مهاجرت زدند. شروع اصلی پیشرفت ادبیات مهاجرت و توجه ویژه به آن نیز در همین دوره آغاز شد؛ به طوری که نویسندگان بزرگ و آثار و مجلات زیادی، سر برآوردند که نمی‌توان به آسانی از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. از آنجایی که زبان و ادبیات یکی از ابزارهای مهم در جهت شناخت هرچه بیشتر کشورها در عرصه‌ی بین‌الملل است و نقش عمده‌ای در انتقال فرهنگ هر کشور به جامعه‌ی بین‌الملل دارد؛ نویسندگان با مهاجرت و انتقال فرهنگ، آداب و رسوم، زبان و ادبیات سرزمین خود به کشور مقصد از طریق نوشتن، و فعالیت‌های گوناگون در زمینه‌های ادبی، و همچنین تألیف آثار خود نقش ویژه‌ای در معرفی مردم و کشورشان به جوامع دیگر ایفا می‌کنند. حسن میر عابدینی نقل قولی از یکی همین نویسندگان مهاجر در کتاب هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی می‌آورد مبنی بر اینکه «یکی دیگر از دستاوردهای شرایط جدید ما، آشنایی نسبی جهانیان با هنر و ادب معاصر و نوین ماست... حضور اهل قلم ایرانی در غرب، منشأ آغاز حرکتی شد برای معرفی ادبیات شعری و داستانی نوین ما.» (میر عابدینی، ۱۳۹۰: ۱۰) به همین علت نیز هست که «علم جامعه‌شناسی یکی از راه‌های فرهنگ پذیری و نفوذ فرهنگی را پدیده مهاجرت می‌داند.» (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۰۳) زیرا نویسندگان مهاجر با علمی که دارند و فعالیت هنری که انجام می‌دهند بهتر این امر را تسریع می‌کنند.

مشخصه‌های ادبیات مهاجرت

به گفته‌ی اکثر منتقدان، کسانی که به خارج مهاجرت کرده‌اند و در آنجا دست‌به‌قلم برده‌اند لزوماً آثارشان در زمره‌ی ادبیات مهاجرت قرار نمی‌گیرد، بلکه ادبیات مهاجرت مانند سایر شاخه‌های ادبیات، دارای خصیصه‌هایی است که آن را از سایر شاخه‌های ادبیات معاصر متمایز می‌کند، به عبارت روشن، محیط، افراد و تجربه‌های جدید در سرزمین بیگانه باید شخصیت، فضا، مکان، مضمون و حتا ساختار اثر جدید را تحت تأثیر خود قرار دهد؛ بنابراین آثاری در حوزه‌ی ادبیات مهاجرت قرار می‌گیرند که به بیان مشکلات و احساسات مهاجرین و نیز فضای حاکم بر جامعه‌ی جدید پرداخته باشد، به‌طور مثال تقی مدرسی و جمال‌زاده با وجود اقامت طولانی در خارج، مواد و مضمون و حتی شخصیت‌های آثارشان را از جامعه ایران می‌گیرند و فضای داستان در داخل ایران می‌گذرد، به طوری که مخاطب با خواندن آن‌ها تغییری اساسی با آثار نوشته‌شده در داخل، احساس نمی‌کند، پس نمی‌توان آثار آن‌ها را در حوزه‌ی ادبیات مهاجرت قرارداد؛ بنابراین شرایط خاصی که نویسنده مهاجر در خارج با آن مواجه می‌شود، باعث ایجاد نوعی حس نوستالژیک، مقایسه‌ی دو فرهنگ و آفریدن شخصیت‌هایی با اختلالات روانی که از ارتباط برقرار کردن با محیط عاجزند می‌شود و سپس این موارد به آثارش راه پیدا می‌کند. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر اینکه به گفته‌ی اکثر منتقدان، ادبیات مهاجرت ایران و نویسندگان مهاجری که پیش‌ازین

ذکر کردیم، موفق به نگاشتن آثار برجسته و قوی در این زمینه نشده‌اند، ناصر زراعتی در گفتگویی که با شاهرخ تندرو صالح داشته است راجع به این مسئله می‌گوید: «به‌رغم امکانات و منابعی که در آنجا وجود دارد سطح دانش داستانی آن‌ها کمتر از داستان‌نویسان جوان ایرانی در داخل کشور است.» (همان، ۲۹) مسائل زیادی منجر به این عدم موفقیت شد: عدم تسلط بر زبان، فرهنگ، محیط و آداب‌ورسوم کشور جدید و همچنین فاصله گرفتن از ادبیات و محیط کشور مادری از جمله این موارد به شمار می‌رود. در مجموع برای ادبیات مهاجرت می‌توان ویژگی‌های زیر را نام برد:

- ۱) مهاجرت و اقامت طولانی در سرزمین جدید
- ۲) پرداختن به مسائلی مانند آوراگی، تقابل سنت و مدرنیته، وطن، جنبش‌های جدید عصر مدرن، فرهنگ جدید که نشان‌دهنده‌ی مهاجرت فرد باشد.
- ۳) من عمومی و نوشتن فراتر از مرزها، یعنی نویسندگی برای عموم فرهنگ‌های دنیای مدرن،
- ۴) تقابل و دوگانگی فرهنگی
- ۵) بحران هویت و سرگردانی بین فرهنگ گذشته و فرهنگ جدید
- ۶) تقابل فرد مهاجر با گذشته و یا کشور جدید
- ۷) بیان حس نوستالژی و غم غربت،
- ۸) انتخاب محیط و سرزمین جدید به‌عنوان فضای داستان،
- ۹) پرداختن به مسائل روز دنیا و سرزمین جدید.

بازتاب مهاجرت و حاشیه‌نشینی مهاجرین در ادبیات مهاجرت

در رابطه با نقش مهاجرت بر تخیل و فرد و به دنبال آن دیدگاه و مضمون اثر، نظرات مختلفی ارائه شده است، بنا بر نظر بهمن نامور مطلق رابطه‌ی مهاجرت و تخیل و اثر هنری نسبی است؛ ممکن است مهاجرت تأثیر بسیار عمیقی بر تخیل و به‌تبع آن اثر هنری بگذارد، ممکن است اثری نداشته باشد و نویسنده به‌مانند گذشته به نوشتن ادامه دهد. (احمدزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۷)

اما نکته حائز اهمیت این است که در شکل‌گیری و رشد بن‌مایه‌های یک اثر ادبی، محیط نقش اساسی و کلیدی را ایفا می‌کند. پس می‌توان گفت در حوزه‌ی ادبیات مهاجرت و نویسندگان مهاجر نیز، محیط کشور مادری و فرهنگی که در آن بزرگ شده‌اند، به‌علاوه نقش آن در بازیابی خاطرات، نوستالژی، فرهنگ دینی، فرهنگ عامه، صمیمیت، و برخورد آن‌ها با فرهنگ جدید که هر دو مواد و محتوای اثر را شکل می‌دهند، غیرقابل‌انکار است. اگر استخوان‌بندی یک اثر ادبی به - خصوص از نوع روایتی آن از چهارستون سوژه‌گزینی، ساخت رباطی، جهان‌نگری، و پرداخت هنری تشکیل شده باشد عمده‌ترین مواد اولیه‌ی این شالوده، از طریق مجموعه‌ای از عوامل دیگر حاصل می‌شود که همگی به خاستگاه اقلیمی نویسنده مربوط می‌شوند؛ یعنی عواملی چون: محیط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی، و محیط طبیعی «(شیری، ۱۳۸۷: ۱۱) بنابراین اگر نویسنده‌ای در محیط فرانسه و آلمان مدرن و قانونمند زندگی می‌کند، نمی‌تواند از فقر و بی‌عدالتی انتقاد کند، یا از گله‌داری

و کوچ عشایر بگوید، پس تأثیر محیط همان قدر زیاد است که نویسنده مواد اثرش را از اطرافش - که در غرب همان مدرنیته، اومانیسم، عقل‌گرایی و فمینیسم و ... است - کپی‌برداری می‌کند. در کنار این از محیط وطن خود که در آن بزرگ‌شده است نیز غفلت نمی‌کند و مباحثی را در این زمینه بازتاب می‌دهد. به‌علاوه اغلب نویسندگان مهاجر در آثارشان گاهی از برخی از مسائل فرهنگ غرب و برخی از موارد فرهنگی شرق انتقاد می‌کنند و دائماً درگذشته سیر می‌کنند، علاوه بر روحیه ایده آل‌گری نویسنده، شاید علت آن این است که وی با مهاجرت، نه با کشور مبدأ و نه با مقصد نمی‌تواند احساس نزدیکی کند و مأنوس شود. کسی که از راه مهاجرت، تحصیل، ازدواج یا تحت تأثیر چیز دیگری گروه اجتماعی یا فرهنگی را ترک می‌کند، بی‌آنکه خود را با فرهنگ یا اجتماع میزبان به‌گونه‌ای رضایت‌بخش وفق دهد، خود را در حاشیه هر دو اجتماع می‌یابد، اما عضو هیچ‌یک از این دو اجتماع احساس نمی‌کند. او یک انسان حاشیه‌نشین است.» (انصاری، ۱۳۶۹: ۲۲) پس، از آنجایی که هر نویسنده برای نوشتن، از محرکه‌ای بیرونی، محیط و نیز انگیزه و فوران‌های درونی کمک می‌گیرد، نویسنده‌ی مهاجر نیز ناخودآگاه و خودآگاه، مهاجرت و حاشیه‌نشینی را تماماً در اثرش بازتاب می‌دهد؛ و گاهی همانند داوری بی‌طرف به نمایش مبانی هر دو محیط می‌پردازد. مبانی و پیامدهای هر محیطی نیز فرهنگ، جنبش‌ها و تفکرات اجتماعی روز و روحيات مردم آن است.

رنان و رمان‌نویسی

در ایران چهره‌ای که در داستان‌ها و شعرهای کلاسیک از زن ترسیم می‌شود، همواره چهره‌های خیالی، رمانتیک، بعضاً قهرمانانه و غیرواقعی است، اما به‌طور رسمی برای نخستین بار بعد از مشروطه و ایجاد رویکرد انسان‌محور این عصر، و به دنبال فعل‌وانفعالات سیاسی و با شکل‌گیری رمان‌های اجتماعی نظیر تهران مخوف مشفق کاظمی، زن با توصیف و چهره‌ای واقعی پا به ادبیات و مشخصاً عرصه‌ی رمان می‌گذارد. «سال‌های پس از مشروطه تا ۱۳۰۰ روزگار پرشور و هیجان فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و تا سیس انجمن‌های رنان و مدارس جدید است. در همین سال‌ها، مسئله رنان، در کنار مباحثی چون هویت ملی، سنت و تجدد، مدنیت و شهروندی، در کانون بحث‌های روشنفکران جای می‌گیرد.»

میر عابدینی، ۱۳۹۲: ۳۴۸) دگرگونی آداب‌ورسوم، در کنار رشد سواد و توجه رنان به مطالعه رمان و به‌تبع آن آگاهی بیشترشان از شرایط اسف باری که دارند، باعث مطرح‌شدن مصائب و مشکلات رنان به‌عنوان یکی از محوری‌ترین موضوعات رمان می‌شود؛ اما این پدیده بارمان‌های اجتماعی و تصویر زبانی که قربانی شرارت جامعه شده‌اند و محکوم‌به سازگاری با شرایط نامساعدشان‌اند فراتر نمی‌رود.

داستانی که به‌دفعات در رمان‌های اجتماعی تکرار شده - جوان بلهوس و زن تیره‌بخت در نخستین رمان‌های نویسندگان زن نیز تکرار می‌شود.» (همان، ۳۵۱) در این دوره از حقوق رنان، مطرح کردن نیازهای به‌حق آنان و تلاش برای رسیدن به آن‌ها، ترسیم زندگی ایده آل برای رنان، مطرح کردن مسئله برابری زن و مرد و.. خبری نیست. به‌طورکلی به نظر می‌رسد نویسندگان رمان‌های اجتماعی ظلم وارد به رنان را به فحشا محدود می‌سازند» (همان، ۳۵۰)

در ایران ابتدا سیمین دانشور با انتشار رمان برجسته‌ی سووشون در سال ۱۳۴۸ به‌طور رسمی به این عرصه گام نهاد و پس از آن نویسندگان زن دیگری توانستند با چشم تیزبین و جزئی‌نگر خود مسائل و مشکلات اجتماع و جهان، سرخوردگی‌ها، گره‌ها، امیدها عقاید خود را به‌ویژه مصائب رنان، به‌خوبی پرورش بدهند و بیان کنند. به‌طور کلی هرچند رنان نویسنده درگذشته و در ابتدای کار تحت تأثیر سبک نویسندگی مردان، کمتر به دغدغه‌های رنان و اهداف آن‌ها توجه می‌کردند و گاه حتی موضوع اثرشان ناخواسته در رابطه با مردان و در خلاف جایگاه خودشان بود؛ اما بعد از گذشت سال‌ها از شروع نویسندگی نخستین زن در این حوزه، به‌جرت می‌توان گفت «عمده مسائل مربوط به رنان، مایه اصلی آثار داستانی رنان داستان‌نویس امروز ایران است.» (نجف زاده، ۱۳۷۵: ۱۴) پس از انقلاب و گسترش ارتباطات، علاوه بر مهاجرت نویسندگان مرد، موج گسترده‌ای از نویسندگان زن نیز به خارج از کشور مهاجرت کردند. «ادبیات داستانی پس از انقلاب در خارج از کشور همچنین شاهد موجی بی‌سابقه در تعداد رنان نویسنده بود.» (گروه نویسندگان، ۱۳۹۱: ۱۱۸) باید اشاره کرد، به دنبال پیشرفت نویسندگان زن در ایران و تألیف آثار متعدد داستانی در ایران، به دلیل نوع نگرش متفاوت جامعه و فرهنگ ایرانی به زن، و اعتقاد رنان به‌نوعی مورد ستم واقع‌شدنشان در ایران و یا در حاشیه بودن، و در کنار این مسائل تابو بودن برخی از مسائل، نویسنده زن ایرانی، پس از مهاجرت با عطش بیشتری به بازگو کردن مصائب، رنجها و سرخوردگی‌ها و درونیات خود می‌پردازند تا از این راه به دنبال هویت از دست‌رفته خویش باشند. «ادبیات رنان رنگین‌پوست، رنان مهاجر، وسیله‌ی موفقی برای بیان دشواری‌های خاص هویت فرهنگی و هویت جنسیت است.» (گرین، ۱۳۸۳: ۴۳۰)

نتیجه‌گیری

ادبیات مهاجرت یکی از شاخه‌های جدید ادبیات معاصر محسوب می‌شود که بعد از انقلاب و در پی تحولات سیاسی اجتماعی و با مهاجرت طیف وسیعی از نویسندگان توانای ایرانی به خارج از مرزها و عمدتاً اروپا، در ایران شهرت بیشتری یافت؛ اما همان‌طور که گفته شد با توجه به ویژگی‌های خاص و متمایزکننده‌ی آن، نویسندگان ایرانی معدودی توانسته‌اند آثاری درخور در این حوزه خلق کنند. برای مثال در این زمینه می‌توان به آثار نویسندگان مورد بحث اشاره کرد که به گفته‌ی کارشناسان از آثار داستانی قوی و درخور ما محسوب می‌شوند. به‌طور کلی با بررسی آثار منتخب، به نکات مهمی دست پیدا می‌کنیم: از جمله این‌که تم اصلی درون‌مایه‌های آثار منتخب حول محور مدرنیته و تقابلش با سنت قرار می‌گیرد و نیز بیان مشکلات مهاجران در دنیای غرب. به عبارت بهتر در این آثار گذر از سنت به مدرنیته صورت می‌گیرد، اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که این گذر ناموفق است و تمام شخصیت‌های آثار منتخب، همراه با شکست‌هایی که در زندگی متحمل شده‌اند، و نوع زندگی‌شان نمود این شکست گذر از سنت و رسیدن به مدرنیته قلمداد می‌شوند. علت شکست نیز می‌تواند این باشد که افراد مهاجر بدون پیش‌زمینه و بدون آمادگی و برنامه به یکباره از سنت جدا می‌شوند و خود را اسیر مدرنیته می‌بینند. به‌علاوه این جدایی نیز به‌طور کامل انجام نمی‌گیرد و همواره پایی در سنت دارد، و پایی در مدرنیته؛ در نتیجه تقابلی اساسی ایجاد می‌شود و سرانجامی جز یأس، ناکامی، پوچی، بحران هویت، تنهایی و

مرگ‌اندیشی برای آن‌ها متصور نیست؛ به عبارت دیگر روشنفکری که از ریشه‌های فرهنگی-بومی خود فاصله گرفته است، بدون این‌که بتواند با محیط جدید مانوس شود، دچار بحران‌های اساسی در زندگی می‌شود و در برخورد با مظاهر زندگی غربی دائماً به گذشته‌ی پر از شکست و خشونتش پناه می‌برد.

به همین علت است که این چالش باعث بروز بحران هویت و نیز ایجاد انواع دگرگونی‌های روحی و روانی در شخصیت‌های این آثار می‌شود. پس از آن جایی که این چالش، با تجربه‌ی محیط جدید ایجاد می‌شود، به‌طور طبیعی بخش اعظمی از محتوای آثار منتخب متأثر از محیط جدید نویسندگان وارد آثار می‌شود؛ تا جایی که می‌توان گفت در حوزه درون‌مایه‌های متأثر از محیط غرب، با مطرح کردن مدرنیته، پیامدهای مثبت و منفی آن را هر سه اثر به نمایش می‌گذارند، عقل‌گرایی، اومانیسیم، فردگرایی، پوچ‌گرایی، گسست، معلق بودن و استیصال، آزادی جنسی، آوارگی، تبعید و به دنبال آن نوستالژی و غم غربت،... از جمله این مسائل به شمار می‌روند. در حوزه‌ی درون‌مایه‌های متأثر از ذهنیت ایرانی، نویسندگان با دیدی اغلب انتقادی به نقد جامعه‌ی سنتی ایران از تمام وجوه می‌پردازند، و با استفاده از فن گذشته‌نگری به باورها، ضرب-المثل‌های متنوع و مبارزه با خرافه و مذهب آمیخته با خرافه، تقدیر، همچنین مسائل اجتماعی جامعه ایرانی همچون بی-نظمی و یا گذشت و فداکاری اشاره می‌کنند. در این راه اغلب دست به مقایسه دو فرهنگ شرق و غرب هم می‌زنند و در بیشتر مواقع این غرب است که از جانب داری نویسنده برخوردار است.

مهاجرین به دلیل پشت سر نهادن مشکلات عدیده در کشور مادری و ناسازگاری با محیط و نظام حاکم، با بیماری‌های روحی و روانی فراونی دست و پنجه نرم می‌کنند، با مهاجرت و تبعید خواسته و یا ناخواسته، این بیماری‌ها تشدید نیز می‌شوند، بنابراین بخش اعظمی از درون‌مایه‌های مبتنی بر رویکرد روانکاوانه نیز، به آثار ادبیات مهاجرت راه پیدا می‌کند.

با تحلیل محتوایی رمان هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها، متوجه جهان بینی و سبک ویژه‌ی نویسنده شده‌ایم؛ زیرا با بررسی و مطالعه دو اثر دیگرش در زمینه‌ی رمان، اثبات شده است که هر سه اثر وی در حوزه‌ی رمان، تا حدود زیادی محتوای نزدیک به هم دارند. حتی به شخصیت‌هایی با مشکلات و خواسته‌هایی یکسان مواجه می‌شویم. به عبارت کامل زندگی متفاوت قاسمی در شرق و غرب به‌خوبی بیانگر تأثیر تفکر و ناخودآگاه نویسنده بر آثارش است، به‌طوری‌که شخصیت - های رمان هایش اغلب بین سنت و مدرنیته و شرق و غرب در رفت و آمدند و در این میان در حالی که شرق را نفی می‌کنند و گاه باید و نبایدهای آن را اغلب به سخره می‌گیرند، به‌طور کامل با مبانی فرهنگ غربی آن‌طور که شایسته است انس نمی‌گیرند. به جرئت هم می‌توان گفت همین فرهنگ غرب و انس نگرفتن با آن است که شخصیت‌ها را به انزوا، افسردگی و مشکلات عدیده و پوچی می‌رساند. در رمان هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها نویسنده با روش داستان در داستان از طریق خواندن خاطرات افسر سابق، مسائل سیاسی، باورها و مسائل سنتی جامعه ایرانی را به نقد می‌کشد؛ یعنی علاوه بر به تصویر کشیدن محیط غرب باهمه‌ی دید بدبینانه اش و وضع اسف بار مهاجران در آن جا، نسبت به محیط عقب مانده‌ی ایران آن زمان، نیز نارضایتی خود را اعلام می‌کند تا در این مقایسه‌ی غیرمستقیم هیچکدام ارجحیت نداشته باشند؛ بنابراین

تفاسیر، این موارد نشان از شدت تأثیر پذیری نویسنده از محیط جدید دارد؛ به طوری که با خواندن - آن، مخاطب متوجه تفاوت های بنیادین آن در سبک و محتوا، با آثار نوشته شده در ایران می شود.

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۴). مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
۲. اسکولز، رابرت (۱۳۸۳). عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
۳. انصاری، عبدالمعبود (۱۳۶۹). ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: نشر آگه، چاپ اول.
۴. پرین، لارسن (۱۳۸۷). تأملی دیگر در باب داستان؛ محسن سلیمانی، تهران: سوره مهر، چاپ هفتم.
۵. تفرشی مطلق، لیلیا (۱۳۸۹). «مطالعات پسا استعماری در ادبیات مهاجرت»، فصلنامه ی تخصصی علوم سیاسی، شماره دهم.
۶. تندرو صالح، شاهرخ (۱۳۷۹). از غربتی به غربت دیگر، تهران: نشر مرمز، چاپ اول.
۷. جهانگلگو، رامین (۱۳۷۹). ایران و مدرنیته، تهران: نشر گفتار، چاپ اول. ۱۶ --- (۱۳۸۵). مدرن ها، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
۸. حاج سید جوادی، حسن (۱۳۸۲). بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران، تهران: گروه پژوهشگران ایران، چاپ اول.
۹. حیدری، فاطمه (۱۳۹۵)، «نقد پسااستعماری روح‌انگیز شریفیان»، فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان وادبیات فارسی، شماره ۲۷، صص ۲۹-۵۰.
۱۰. خدایار، ابراهیم (۱۳۸۷). «ادبیات مهاجرت (بررسی مضامین شعر مهاجرت شاعران فارسی گوی ماورالنهر در قرن بیستم)»، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۳، سال نهم، شماره ۱، صص ۲۷-۴۵ (۲۱).
۱۱. راسل، پیتر ادوراد (۱۳۷۲). سروانتس، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: طرح تو. چاپ اول.
۱۲. زرافا، میشل (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی ادبیات داستانی، ترجمه نسرین پروینی، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
۱۳. سلیمانی، محسن (۱۳۸۷). رمان چیست؟، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ اول.
۱۴. شریفیان، روح‌انگیز (۱۳۹۰). کارت‌پستال، تهران: انتشارات مروارید، چاپ پنجم.
۱۵. احمدزاده، شیده (۱۳۹۱). مهاجرت در ادبیات و هنر (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
۱۶. محسن سلیمانی، تهران: نگاه، چاپ چهارم.
۱۷. قاسمی، رضا (۲۰۰۷). وردی که بره‌ها می‌خوانند، پاریس: نشر خاوران.
۱۸. گرین، کیت و جیبیل لیبهان (۱۳۸۳). درسنامه ی نظریه و نقد ادبی. ترجمه ی لیلیا بهرانی محمدی. تهران: انتشارات روزنگار.
۱۹. محسنی، منوچهر (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی عمومی، تهران: طهوری، چاپ هجدهم.
۲۰. میر صادقی، جمال (۱۳۹۰). عناصر داستان، تهران: انتشارات سخن، چاپ هفتم.
۲۱. میر عابدینی، حسن (۱۳۷۷). صد سال داستان‌نویسی ایران، جلد سوم، تهران: نشر چشمه، چاپ اول.

۲۲. معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیر کبیر، جلد چهارم.
۲۳. معروفی، عباس (۱۳۹۱). تماماً مخصوص، سوئد: نشر گردون، ویرایش جدید.
۲۴. نجف زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۷۵) رنان داستان‌نویس در ایران، تهران: انتشارات روجا، چاپ اول.
۲۵. وفایی، عباسعلی (۱۳۸۷). سفر در آینه، نقد و بررسی ادبیات معاصر، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
۲۶. وقوفی، حسن (۱۳۸۰). فرار مغزها، بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی زهد. چاپ اول.

Abstract

Migration literature is a new branch of contemporary literature with its own characteristics, which is divided into two parts: fiction and verse, and it exists in every country according to its social and historical developments. The growth and formation of this type of literature and the entry of the term "immigration literature" into the dictionary of political literature and cultures of the nations of the West is a product of the years after World War I and World War II. In line with the contemporary literary trends of Iran that became popular in Iran after the constitution and especially from the Pahlavi II era, due to the migration of many elites, young people and writers to Europe and America in search of developing education and finding a suitable job and a better future, and also Under the influence of war and economic disturbances, a wide range of immigrants affected by the dual factors took up writing and wrote short and long stories or novels. Among the novels of the authors in question, the selected novel shows the author's style and expression more than his other works. Although writers such as Ismail Fasih have written many of their works focused on the issue of immigration, this research has been examined in the field of immigration literature. The migration literature has special characteristics, including dealing with the problems and sufferings of immigrants, which this research has dealt with in detail. In general, by analyzing the selected novels, we have realized that despite the authors being influenced by Western ideas and culture, they are not removed from the past and culture of their motherland. Therefore, modernity and its conflict with tradition, and the consequences of migration are the main themes of these works.

Key words: migration literature, women's fiction, migration novels